

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فایل نوشتاری دوره آموزش امر به معروف و نهی از منکر

دوره آموزشی "فطرت‌های رایج"

مدرس: استاد علی تقوی

آسیب شناسی اشتباهات متداول اساتید و سخنرانان در تدریس و تبلیغ فریضه امر به معروف

جلسه هفدهم

یکی دیگر از اشتباهات رایج در تدریس امر به معروف و نهی از منکر این هست که در

تعریف کلید واژه ی "امر" و "نهی" دچار اشتباه میشیم گاهی.

دیدم برخی مدرسین گفتن، نوشتن که آقا **حتما باید با فعل امر و فعل نهی تذکر بدید.**

یعنی فکر میکنی چون **امر به معروف نهی از منکر** است،

حتما باید فعل امر استخدام کنی، این کارو بکن، اون کارو نکن!

نه، امام راحل در تحریر الوسیله می فرمایند، سایر مراجع در استفتائات، می فرمایند:

آقا اگر یه جایی میبینی استدعا اثر بهتری داره، استدعا کنید.

حتی یه جا فعل معکوس بکار ببرید.

مثل مادری که به بچش میگه *مشقاتو نویسی ها!

***یه موقع نمازتو نخونیا!**

***باریکلا همین طوری شلوغ بازیتو ادامه بده!**

***همینطوری مثلا این کار بدو ادامه بده!**

یعنی عیب نداره فعل معکوس حتی استفاده کردن.

حتما نباید فعل "امر و نهی" باشه.

حتی مراجع تقلید می فرمایند آقا یه جاهایی شما **فعل سوالی** می خوای استخدام کنی

عیب نداره، حسین جان چرا نمازتو اول وقت نخوندی داداش؟ حیف نبود؟ سوال.

یه جا عرضم به خدمت شما که **فعل معکوس** استفاده می کنی،

یه جا **سوالی** میگی،

یه جا با **استدعا** می گی.

بله، اصلش امره؛ اصلش نهیه.

یعنی اون استعلا باید در صحبت باشه، اون آمریت، اون بفرمایید که قهرمانانه،

از موضع قدرت، از موضع بالا امر کردن در عین حال که نرمش هم هست.
نرمش قهرمانانه، در عین حال که لیانت، نرمی و مهربانی و عطوفت هم هست.

اصلش امر و نهیه، اما حتما لزومی نداره فعل امر یا فعل نهی باشه.

برخی دیگر باز در تعریف امر و نهی یه اشتباه دیگه می کنن،

میگن آقا باید از زبان خوش با خضوع و ادب بهره بگیریم، باید از گناهکار خواهش کنیم!

نه، همچین چیزی نداریم؛ اجازه ی خواهش و استدعا داریم، امام در تحریر می فرمایند:

اگر جایی میبینید موعظه، استدعا

(به معنی خواهش ها، نه دیگه ذلالت و التماس نه)

استدعا و موعظه بهتر اثر می کنه اشکال نداره موعظه کنید،

یعنی حتی امر و نهی هم دیگه نیستا عیب نداره، اشکال نداره استدعا کنید:

*میشه لطف کنید این مَطْلَبو رعایت کنید؟

*خانم، آقا ببخشید میشه لطفا این رو انجام بدید؟

*میشه لطفا این کارو نکنید؟

عیب نداره این کار، این با استعلا و روح استعلا در تناقض نیست.

استعلا یعنی چی؟

عُلُو، برتری؛ یعنی از بالا به پایین امر کردن و نهی کردن،

منتها در قلمون باید تواضع داشته باشیم، اینم یادمون نره.

یه عده هم دچار این اشتباه میشن در آموزش امر به معروف،
میگن آقا **حتماً باید استعلا داشته باشی**، طرفم میره جلو یه جو ری امر به معروف و نهی از
منکر میکنه که دیگه بنده خدا از ترس مثلاً زهره ترک بشه!
نه، استعلا در ظاهر، تواضع در قلب!
خودتو پایین تر از او پندار و بدان، حتی خودتو پایین تر از گناهکار بدان،
اما در ظاهر باید اون استعلا، اون قاطعیت رو در کنار ادب،
اون جدیت رو در کنار تواضع قلبی در واقع حفظ کنیم.

یه اشتباه دیگه ام که باز بعضیا تو لفظ امر و نهی میکنن این است:
میگن آقا اصلاً امر و نهی نکنید، برا گناهکار **استدلال** بیارید!
ببینید این حرفای غلطی نیست، اما اینو به عنوان حکم خدا میگن، این میشه اشتباه!
اینو به عنوان حرف مراجع تقلید میگن، این میشه اشتباه!
مراجع تقلید نفرمودن حتماً باید استدلال منطقی و علمی کنید.

بنده خودم شنیدم بارها، حالا یکیشو دقیق خاطر م هست، یه آقایی بر خلاصه پشت
میکرو فن میگفتش که اگه نمی تونید استدلال قانع کننده بیارید،
امر به معروف و نهی از منکر نکنید!

!!! آقا این چه حرفیه!

استدلال بهتره، دلیل علمی، دلیل منطقی بیاریم گناهکارو قانع کنیم **بهتره**،

اما اگر نمی‌تونیم دلیل علمی و منطقی هم بیاریم همین که مطمئن هستیم عمل منکر هست باید تذکر بدیم.

وظیفه‌ی ما نیست پاسخ به سوالات علمی و شرعی مردم عزیزان،
خوبه آشناته بشین صحبتیم بکن، فامیلته، نه رهگذره، سوال داره، بلدی، میتونی
جوابشم بدی، بده؛ اما وظیفه‌ی ما اون تلنگر اولیه است که با آدابش،
با شرایط و مراحل بالاخره قول درست و متناسب با معصیتش ترجیحاً زبان نرم،
تذکرمون رو بدیم و به همون بسنده می‌کنیم؛ یک تلنگر است، یک امر و نهی است.
وظیفه نداریم خیلی در واقع صحبت کنیم هر چند که اشکالی هم نداره.
پس امر و نهی رو درست تعریف کنیم:

"امر"، اصلش دستور دادن است،

اما "واداشتن" هم معنی کردن.

"نهی"، اصلش "دستور به ترک فعل" است،

اما "بازداشتن و منع کردن ولو با رفتار و با اعمال" هم معنا کردن.

اشکال نداره، **حتماً نباید فعل امر و نهی باشه.**

جلسه هجدهم

از اشتباهات رایج در آموزش امر به معروف که خیلی از مدرسین متأسفانه مرتکب

میشن، این هست که کم دقتی می کنن،

میگن آقا امر به معروف همون دعوت به خیر است،

همون کار فرهنگی کردن است،

همون فرهنگسازی و اقدام ریشه ایست.

یعنی مثلاً میگن آقا خانه از پایست ویرانست!

ما باید بجای تذکر لسانی،

یعنی اینا بیشتر از خدا میفهمنا!، از مراجع تقلید بیشتر میفهمن!،

میگن تذکر لسانی نباید بدیم بجاش باید چی کار کنیم؟

کار فرهنگی کنیم، کار تربیتی کنیم، دعوت به خیر کنیم، فرهنگ سازی، الگو سازی،

کار رسانه ای و امثال اینها!!!

ببینید اینها خب کارای خوبیه و لازمه اما کار فرهنگی و تربیتی و دعوت به خیر،

یک بحث است و فرض است بر مسلمین، بله،

اما امر به معروف و نهی از منکر یک واجب دیگه است

و این هم واجب است همه انجامش بدن،

دلیل بر این همیشه که چون شما خیلی تو کار تربیتی قوی هستی،

یا شما انتشارات کتب مذهبی داری یا شما نمیدونم فرمانده بسیج هستی،

یا شما رئیس نمیدونم مسجد هستی، نمیدونم خیلی کار فرهنگی ریشه ای داری انجام

میدی، شما اصن شبکه قرآن هستی، شما روحانی هستی، شما رادیو معارف داری،

اینا دلیل بر این همیشه که گناه بینی تذکر لسانی ندی!

چه ربطی داره؟

مثه اینکه به یکی بگه آقا من مثلاً رئیس اداره تبلیغات اسلامی هستم خودم،

من معلم قرآن هستم، پس نماز دیگه نمی خواد بخونم!

آقا، نماز یک واجب است، امر به معروف و نهی از منکر یک واجب است،

اون قرآن یاد دادن تو، یا نمیدونم کتاب شهید مطهری چاپ کردنت

یا اعتکاف برگزار کردن و اردوی مذهبی بردن و اینها،

هیچ کدوم جای تذکر لسانی، مطالبه گری و امر به معروف و نهی از منکر و نمیگیره!

هر کدوم به جای خودش!

بعضیا این توهم میزنن به مردم هم یاد میدن، میگن آقا باید کار ریشه ای، کار فرهنگی کرد، همین پوستر بچسبونید، بنر بزنید، شبکه راه بندازید، کانال ایجاد کنید و امثال اینها، برنامه های مذهبی، هیأت، مسجد سازی، فلان، اینها رو انجام بدید، کتاب چاپ کنید، پوستر بزنید،

اینا میشه امر به معروف نهی از منکر!!!

نخیر، امر به معروف و نهی از منکر دو واجب تابع موضوع هستند،

تفاوت امر به معروف با کار فرهنگی و دعوت به خیر رو دقت کنید.

یدعون الی الخیر، یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

اینا دو واجب تابع موضوع هست.

یعنی شما نسبت به منکری که داره رخ میده، عکس العمل نشان بدی، یه کاری بکنی،

نسبت به معروفی که ترک شده عکس العمل نشان بدی برای احیاء اون معروف و

واداشتن دیگران به انجام اون معروف.

دعوت به خیر، نه! دعوت به خیر کار فرهنگی همگانیست.

اشکالی دارد کار فرهنگی و دعوت به خیر که امر به معروف اون اشکالو جبران میکنه،

چیه؟ دو تا:

یک:

کار فرهنگی، فرهنگسازی، **دیر بازدهه**، امر به معروف و نهی از منکر زود بازدهه،

یعنی سریع میخواد گناه از جامعه حذف بشه، از ظاهر جامعه گناه پاکسازی بشه.

کار فرهنگی کردن، شما خلیاتون بلدید میدونید **کارهای فرهنگی زودبازده نیست.**

من اگه میبینم یه کسی داره کیف یک کسیو میدزده تو خیابون، جیب بُری میکنه،

چی کار کنم؟

باید داد بزنی بگم آقا کیفتونو بگیرید! آقای محترم زشته! مثلاً یا پلیسو خبر کنم؟

یا نه برم یه کتابی در مضرات دزدی بنویسم، کار فرهنگی ریشه ای بکنم،

سه سال دیگه این کتاب چاپ بشه که دزدی کار بدی است، نباید دزدی کنی،

یه جلدشم بعد سه سال دست این آقا دزده برسه بخونه دیگه دزدی نکنه! درسته؟

اینطوری باید باشه!

نخیر، این آقا دزده انقد کار فرهنگی براش شده میدونه دزدی کار بدیست،

باز داره انجام میده!

پس حواسمون باشه، کار فرهنگی دیر بازدهه، این یک ضعفه و خلاء کار فرهنگیست.

امر به معروف می‌گه، اسلام می‌گه، گناه باید از ظاهر جامعه سریع محو شود،

حالت اورژانسیست، اضطرار است، فوریتیست.

دو:

ضعف دوم و خلاء دومی که کار فرهنگی داره اینه که شما هر چی هیات برگزار کنید،

هر چی شبکه قرآن راه بندازید،

هر چی کتابای مذهبی چاپ کنید،

هر چی اردوی مذهبی و اعتکاف و راهیان نور و فلان و اینها کنید

یه عده آدم هستن که اینها "يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ" هستنند به تعبیر قرآن،

یه عده هستن مزدور لابی های صهیونیستی ان،

اینا اصن پول میگیرن که تو جامعه فساد و فحشا ترویج کنن،

روزه خوری علنی رو، بد حجابی را، رشوه دادن و گرفتن را،

ظواهر معصیت را اینها ترویج کنن.

این، راهیان نور میاد؟!!

اردوی مذهبی میاد؟!!

اعتکاف میاد این آدم؟!!

هیأت میاد بشینه بینه؟!!

شبکه قرآن میاد روشن کنه ببینه چی میگه تلویزیون رادیو معارف؟!!

ایراد دوم کار فرهنگی این است که کسانی در جامعه هستند که

خودشون رو در معرض کارهای فرهنگی شما قرار نمیدن،

در تیررس گلوله های فرهنگی شما قرار نمیدن اینها، نمیان، چیکارش کنیم؟

پا منبر نیماصن، قرآن باز نمیکنه تو عمرش، چه کار کنیم با این آدم؟

حالا هی هزاریم شما همایش عفاف و حجاب بذار، خو همش محجبه ها رو میاری

میشونیو بعدم انتظار داری اون بی حجابای تو خیابون درست شن؟!!

یادواره ی شهدا بذار، خوبه، مُحَبِّین شهدا میان میشینن،

بعد انتظار داری فرهنگ شهادت برا اون کسی که همش پای شبکه های ماهواره ای

مستهجنه، فرهنگ شهادت بفهمه چیه؟!!

کار فرهنگی خوبه، لازمه، واجبه،

اما امر به معروف و نهی از منکر رو نمیتونه جایگزین بشه کار فرهنگی.

تذکر لسانی هم وظیفه ی همگانست، مطالبه از دیگران،

اینها مصداق های مهم امر به معروف و نهی از منکره،

"مطالبه از مسئولین"، "تذکر لسانی"،

اینها لازم هست و همه باید انجام بدن.

نمیشه یک کسی بگه که ما به جای امر به معروف و نهی از منکر،

کار تربیتی کنیم، کار فرهنگی کنیم، کتاب چاپ میکنیم،

نخیر، حواسمون باشه که اینو جدی بگیریم.

یه نکته ای هم هست تو این بحث، ببینید **کار فرهنگی** مته **پیشگیریه**،

امر به معروف و نهی از منکر مته **درمانه**، هر چند که جنبه ی پیشگیری هم داره،

بعضیا میگن آقا **پیشگیری بهتر از درمان است**،

خب میگیم شکی نیست، بله پیشگیری بهتر از درمان است؛

بنده برای اینکه بیمار نشم باید قبل و بعد از غذا دستهامو بشورم،

عرضم به خدمت شما، در ظرف تمیز غذا بخورم، بهداشت عمومی رو رعایت کنم

نظافت دهان و دندان رعایت کنم، همه ی اینا مثلاً خوب، پیشگیری از بیماری،

حالا الان جامعه ی ما، جمهوری اسلامی ایران ما، مملکت ما، بیمار هست یا نیست؟

بیماری بد حجابی،

بیماری غیبت،

بیماری تهمت،

بیماری رشوه،

بیماری چشم چرانی،

بیماری روزه خوری علنی،

بیماری هزار و یک معصیت دیگه ها، ریز و درشت.

برای بیمار آیا بازم باید پیشگیری رو فقط تجویز کرد؟!

بیماری به وضع اضطراری رسیده، به ولنگاری فرهنگی رسیده به تعبیر رهبر انقلاب!

حالا شما یک کسی مُحْتَضِر رو آوردن رو برانگارد تو اورژانس بیمارستان

داره جون میده، بعد یه پزشک نادون بالا سرش وایسه چیکار میکنه؟

میگه عزیزم شما داری میمیری؟ آخی، خب من برات تجویز مینویسم:

شما ماهی یکبار حتما سبزیجات مُفَصَّل مصرف کنید،

کُلُرْفیل خونتون در واقع بیشتر بشه، بیاید دو سه ماه یه بار من چکاپتون کنم،

ویزیتتون کنم، گوشت قرمز عزیزم بیشتر بخورید مثلاً!!!

بابا پروفیسور این داره میمیره،

الان یه شوکی، یه نمیدونم حرکت فوریتی، یه اقدام اورژانسی،

اول از این وضعیت وخیم سریع بیاد بیرون،

یا نه دوباره مثلاً همین آقای پزشک بگه عزیزم شما حالا داری میمیری،

خب دیگه ایشون داره میمیره، دستاتونو قبل و بعد از غذا بشورید حتما

من مینویسم براتون که دچار بیماری نشید!!!

خب باشه میشوره، کار فرهنگی، کار تربیتی، کار دراز مدت و ریشه ای قبول،

ولی الان برا اضطراش چکار داری؟

یه شوک بده، یه نمیدونم تزریق فوریتی انجام بده،

اونچه که در تخصص پزشکی هست، در کنارش کار فرهنگی هم باید باشه،

اما این جای اون رو نمیگیره.

پس حواسمون باشه، پیشگیری بهتر از درمانه،

انقد باید کار فرهنگی تو جامعه بشه که اصن گناه علنی نشه،

اما الان گناه علنی شده، الان بیماری ها رخ داده، الان جامعه ی ما آلوده هست،

۳۸ سال از انقلاب میگذره الان ما که داریم این فیلمو ضبط میکنیم ۱۳۹۶،

۳۸ سال از انقلاب میگذره، این همه کارای فرهنگی انجام شده

ولی بازم بیمار در جامعه،

معصیت علنی در جامعه هست.

باید امر به معروف و نهی از منکر رو هم انجام داد

و کار فرهنگی و ریشه ای و تربیتی،

جای امر به معروف و نهی از منکر را نمیگیرد.

التماس دعا

جلسه نوزدهم

عزیزان یکی دیگه از اشتباهات رایج در بحث امر به معروف و نهی از منکر اونا که میخوان آموزش بدن دچارش میشن،

تعریف دو کلید واژه ی "معروف" و "منکر" هست،

متأسفانه دیدیم بارها و میان میگن خیلیا به ما میگن خلاصه گله میکنن که آقا معروفو منکر رو که میخوان برا ما تعریف کنن در دوره های آموزشی یا در کتابها و اینها، میگن که باید اول معروف را معروف کنیم بعدا امر به معروف کنیم!

اول باید ببینیم منکر، منکر هست یا نه؟! منکر را منکر کنیم بعداً نهی از منکر کنیم!

این یه حرف بی پایه و اصلاً در واقع غیر منطقیست، تعجب آور است!!!

یعنی یه مقدار انسان تصور کنه این رو خودش متوجه میشه غیر قابل تصدیق هست، چرا؟

ببینید، چطور باید معروف رو معروف کرد؟

مقام معظم رهبری می فرمایند:

"برای اینکه گناه، گناه بماند؛ منکر، منکر بماند

و برای اینکه معروف، معروف بماند، یعنی عمل خوب در ذهن مردم خوب بماند،

همه باید امر به معروف و نهی از منکر کنن"

یعنی اصلاً راه اینکه معروف در ذهن مردم ارزش بماند همین است که

گناهکار ببیند همه دارن منو به اون کار دعوت میکنن، امر میکنن

راه اینکه منکر فُبح خودشو حفظ کنه در ذهنها و زشت بمانه همین است که

گناهکار ببیند همه دارن منو از این کار نهی میکنن پس حتما این کار بد است!

پس مردم اینکارو نمی پسندن، ناپسند است، منکر است.

یعنی حضرت آقا میفرمایند با امر به معروف و نهی از منکرست که

منکر، منکر می ماند، گناه تو ذهن مردم زشتیش میمونه؛

معروف، معروف میماند، تو لیست خوبها می مونه این عمل معروف در ذهن مردم

پس اینکه بگیم ما اول باید معروف رو معروف کنیم بعداً امر به معروف کنیم،

این حرف اوناییست که یا حواسشون نیست یا میخوان عمداً مردمو از امر به معروف و

نهی از منکر خلاصه باز بدارن؛ میگن اول برید معروف را معروف کنید!

یعنی چی که اول معروف را معروف کنیم؟

زمانی معروف ارزش می ماند، زمانی نماز ارزش می ماند، روزه ارزش می ماند،

حجاب ارزش می ماند، معروف میماند، که دعوت کننده داشته باشه،

وقتی دعوت کننده نداشته باشه از معروفیت به مرور زمان، در ذهن مردم، نه در
شرع مقدس که معروف هست همیشه، در ذهن مردم از ارزش بودن خارج میشه؛
این یک اشتباهیست که خیلیا دچارشَن.

اشتباه دیگری که خیلی متاسفانه مبتلا بهش هستن میگن آقا امروز **مثلاً دیگه حجابو**
معروف نیست که!!! میگی چرا؟؟؟

میگن خب معروف نیست دیگه، مشهور نیست، عرف نیست مثلاً!
یعنی فکر میکنن معروف یعنی آنچه که عرف است، آنچه که مشهور است،
اینم متاسفانه خیلی افراد چهره و مشهور سخنرانان گفتن که معروف یعنی اونچه که
بین مردم رایج و پسندیده است، بین مردم در واقع مقبول هست!

نه، معروف اسم مفعول است از عَرَفَ

یعنی ما عرف عندالله، عند شارع،

ملاک معروف و منکر نظر من نظر شما نیستا!

یکی بگه به نظر من فلان چیز خوبه، به نظر تو بده، سلیقه ها ملاک نیست،

عندالله ملاک است که معروف نزد خدا چیه،

یعنی خدا عَرَفَ، چه چیز را به رسمیت شناخته است؟

منکر هم اسم مفعول است از نَكَرَ یعنی چه چیز را خدا انکار کرده است؟

شارع مقدس، قرآن و عترت چه چیز را بد پنداشته است و او رو دور خواسته است،

او رو ناپسند خواسته است.

پس دیگه نمیتونیم بگیم که یه چیزی به نظر من معروفه به نظر تو منکره،

نمیدونم از نظر... نه.

ملاک حق و باطل خداست، ملاک حُسن و قُبْح خداست،

عقل سلیم هم او رو تایید میکنه،

لذا این نکته که معروف یعنی آنچه عرف است، آنچه مشهور است این غلطه!

یه وقت تشریف بردید لاس و گاس و نمیدونم لُس آنجلس و اینا،

باید مردمو امر به شرابخوری کنی چون اونجا اکثراً این چیزا معروفه دیگه ها!؟

باید مردمو دعوت به کاواره و اینا کنی خدا براتون ثواب مینویسه!

نخیر، همچین چیزی نیست.

معروف: آنچه که اسلام به رسمیت شناخته.

منکر: آنچه که اسلام او رو دور داشته و به رسمیت نشناخته

موفق و ماجور باشید، و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

جلسه بیستم

یکی از مباحثی که خیلی در تدریس فریضتین دچار اشتباه میشن عزیزان، ناخواسته،

بحث این هست که تبیین کنند:

امر به معروف و نهی از منکر واجب "کفایی" است یا واجب "عینی" است؟

و البته حالا این یک مطلبیست که اختلاف بر سرش بوده و فقها در طول تاریخ اسلام،

عده‌ای بر وجوب کفایی، عده‌ای بر وجوب عینی نظر داشتن،

اینو خیلی نمی‌خوایم الان بهش پردازیم اشاره می‌کنم.

اما نکته اینجاست که چون اکثر متأخرین مخصوصاً امام راحل

و بزرگواران مراجع عظام تقلید قائل به وجوب کفایی هستند و درست هم هست،

اما عده‌ای میخوان اینو تبیین کنن در کلاساشون بسیار به من گزارش میرسه

و خودمم گاهی دیدم، تلویزیون و اینها هم خیلی فیلماشون پخش میشه متأسفانه،

میگن آقا وجوب کفایی یعنی:

اگه یه نفر تذکر داد از بقیه ساقط است، دیگه نمی‌خواد بقیه تذکر بدن!

من نمیدونم اینو از کجا میارن این حرفو: "یه نفر تذکر داد از بقیه ساقط است ها!؟!"

دفن میت واجب کفاییست، میت مسلمان نباید جنازه اش زمین بمونه،

یعنی اگه یه نفر رفت دفنش کنه از بقیه ساقط است؟

کدوم عقل سلیمی اینو می پذیره؟ کدوم مرجع تقلیدی این حرفو زده؟

مراجع معظم شیعه می فرمایند:

"اگر به حدّ من به الکفایه، به تعداد کافی کسانی رفتند اقدام کردند

برای وجوب کفایی، سَقَطَ عَنِ الْآخِرِينَ، از بقیه دیگه تکلیف ساقط است."

به تعداد کافی، تعداد کافی یعنی چقد؟

دفن میت واجبه، چند نفر لازم است؟

یکی غسل و کفن و اینا همه چی آماده ست، غسلش انجام شده، قبرشو کردند،

کفنش آماده ست، عدهای هم برای تشییش هستن

و حالا هم میخواد دو نفر بذارنش تو قبر مثلاً.

یکی نه، میت میبینی کاراش هیچکدوم انجام نشده،

عده ی بیشتری لازم هست برن برای تجهیز و تدفین و کفن و دفن و....

امر به معروف و نهی از منکر حدّ کفایتش کجاست؟

ازاله ی منکر، اقامه ی معروف.

یعنی چی؟

یعنی شما اگه میدونی به حدّ کافی کسانی هستن که تذکر میدن

یا تذکر دادن منکر از بین رفت،

خب دیگه تکلیف از من و شما ساقطه،

"به حدّ کافی"، نه که "یه نفر"!

آقایون اینطور میگن، غلط رایج اینه میگن:

هر جا میدیدی یه نفر تذکر داد دیگه از شما ساقطه!!!

کی گفته همچین حرفی رو؟؟؟

پس رهبر انقلاب داره تذکر میده،

امام جماعت مسجد، روحانی محل، بابابزرگ خانواده،

هر جا یه نفر هست بالاخره تذکر میده دیگه،

از ما تکلیف ساقطه؟

نخیر، اینقد باید بگن،

به تعدادی باید بگن که در واقع گناهکار دست از گناهی برداره،

اینجا میشه "حدّ من به الکفایه"

یعنی گناه دیگه از بین رفت.

اما حالا اون بحثی که اول اشاره کردم (پس اینو دیگه درست بگیریم از این به بعد)،

حدّ کفایت "یه نفر" نیست، مختلفه!

یه گناه بیست نفر باید بگن، یه گناه دو هزار نفر باید بگن!

اما مسأله‌ای که اول اشاره کردیم:

حالا واجب عینی ست یا واجب کفایی ست واقعا؟

خب امثال شیخ طوسی و برخی بزرگواران دیگه، متقدمین میگن،

واجب واجب عینی ست!

این یک نکته ی خیلی ظریف و ساده ایست، ما دور بزنییم این اختلاف نظر رو،

ببینید چه واجب کفایی بدانیم، چه واجب عینی،

همه ی فقهای مسلمان بر این باورند که:

تا گناه هست باید تذکر داده بشه.

* یعنی اونهایی که میگن **واجب عینیه**،

میگن آقا وقتی گناه هست، علم به معروف و منکر داری، همه باید تذکر بدن.

* اونایی که میگن **واجب کفائیه** میگن نه، همه نمیخواد تذکر بدن،

" به تعداد کافی "

میگیم حدّ کفایت کجاست؟

میگن تا وقتی گناه هست.

یعنی گناه از بین رفت، دیگه تکلیف از بقیه ساقطه.

خب این ها بر سر یک مطلبن پس هر دو، اختلافی نیست.

هر دو گروه میگن تا گناه هست باید تذکر بدی.

از اون طرف هر دو گروه میگن وقتی گناه از بین رفته دیگه تکلیفی نیست،

چون اینا میگن به حدّ کفایت رسیده،

اینها هم میگن اصلاً موضوعی نیست که بخواد نهی بشه.

پس همه ی فقهای شیعه بر این باورند که:

تا گناه هست باید همه تذکر بدن،

چه عینی بدانیم چه کفایی،

همه شونم میگن وقتی موضوع از بین رفت و گناه دیگه از بین رفت،

دیگه تکلیفی ندارن، چه قائلین به وجوب کفایی، چه قائلین به وجوب عینی

می فرمایند که دیگه موضوع منکر از بین رفته.

حالا یک اختلافی اون وسط هست که

اگر عده‌ایی " به حدّ من به الکفایه " قیام کردند،

اما هنوز گناه از بین نرفته؛

* اینو قائلین به وجوب کفایی می فرمایند که خب دیگه حدّ کفایت اقامه شده،

دارن میرن نهی کنن و کفایت شما می دونی؛

* قائلین به وجوب عینی میگن نه، چون هنوز منکر هست باز بر بقیه هم واجب است

که اقدام کنن و قیام و حرکت کنند برای نهی تا موضوع از بین برود.

فی الجملة، امر به معروف واجب کفایی ست،

بله قبول امام هم می فرماید واجب کفایی ست، اما درست تعریفش کنیم.

واجب کفایی:

اگر "به تعداد کافی" تذکر دادند از ما رفع تکلیف می شود،

یعنی ببینیم گناه از بین رفت؛

یا نه از بین نرفت، یه کسی داره روزه خوری علنی می کنه تو خیابون داره راه میره،

شما میدونی اگه شما بهش تذکر ندی، تا ته خیابون برسه ۵ نفر، ۱۰ نفر، بهش تذکر

میدن به روشهای مختلف، خب شما میتونی اونجا تذکر ندی!

ولی الان کجا همچین وضعیتیته؟

واقعاً الان اینطوره؟

الان یه کسی یه گناه میکنه شما نگی، تا ده دقیقه دیگه ده نفر بهش تذکر میدن؟

حالا هر گناهی باشه،

نخیر اینطور نیست!

پس الان " حدّ من به الکفایه " در واقع اقامه نشده و خیلی ها انجام نمیدن، بر ما

واجب است که گناه می بینیم، شرایط و جوبش باشه تذکر بدیم.

التماس دعا، موفق باشید. موفق باشید.

جلسه بیست و یکم

عزیزان یکی دیگر از اشتباهات رایجی که در تدریس فریضتین رخ میدهد،

اولویت دادن امر به معروف به نهی از منکر است.

ببینید از نظر مراجع معظم تقلید امر به معروف یعنی دعوت دیگران،

و داشتن اونها به خوبی، همون نهی از منکر است،

یعنی شما وقتی به یه کسی دعوت میکنی، امر میکنی که حلال بخور یعنی داری نهی

میکنی از حرام خوری!

وقتی کسی رو امر میکنی مثلاً به رعایت حجاب یعنی داری نهی میکنی از بد حجابی!

لذا به قول حضرت استاد فرزانه مون،

مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی میفرمودن:

آقا اینها دو روی یک سکه هستن

لذا بعضیا نگویند اول باید امر به معروف کنیم بعداً نهی از منکر کنیم!

این یه اشتباه متداول هست!

منظورشون از امر به معروف اینا همون دعوت به خیره، کار فرهنگی،

معروف را معروف کردنو این چیزا، فکر میکنن اول باید زمینه سازی،

یعنی میگه اول سه هزار تا کتاب چاپ کن بعدا تذکر لسانی بده، نه!

قرآن میفرماید، احادیث و مراجع معظم تقلید می فرمایند آقا

اگر دیدی معروفی ترک شده، واجبی ترک شده، خب باید امر به اون واجب کنیم،

اگر دیدیم منکری رخ داده، خب طبیعتاً باید نهی از اون منکر کنیم.

امر به معروف و نهی از منکر اینطور نیست که چون در آیات قرآن این قبل از اون

یکی آمده منظور تقدم رتبی باشه که حتماً باید اول اونو انجام بدی بعد اینو!

ببینید اکثر جاهای قرآن اول اَقِمِ الصَّلَاةَ آمده، بعد و آتُوا الزَّكَاةَ آمده،

آیا منظورش اینست که اول نماز بخونیم بعد از نماز مون زکات بدیم؟

نه، هر جا این واجب بشود، اذان میگه میشه نماز، خب نماز واجبه میخونیم، بفرمایید

موقع زکات برسه اونی که زکات بهش تعلق میگیره زکاتشو میده؛

امر به معروف و نهی از منکر تابع موضوع هستن یعنی اگر دیدیم ترک واجبست،
خب امر به واجب میکنیم، اگر دیدیم فعل حرامست، نهی از حرام میکنیم.

حالا برا شما سوال پیش میاد خیلیا پرسیدن آقا جان،

چرا بیشتر نهی از منکر میکنید تا امر به معروف؟

بیشتر میگید اینکارو نکن، اونکارو نکن!

بیشتر چرا امر به معروف نمیکند؟

جواب این هست ببینید از نگاه مراجع تقلید که ما استفتاء کردیم،

عزیزان فعل منکر بیشتر دیده میشه اما ترک معروف خیلی دیده نمیشه،

بنده اگه الان نماز ظهر و عصرم نخونده باشم کسی میبینه؟

یعنی ترک نماز دیده شدنی نیست مگر اون کسی که از ظهر تا شب با من بوده،

اما فعل منکر طبیعتاً بیشتر دیده میشه،

روزه خوری دیده میشه، بدحجابی دیده میشه، دروغ و غیبت و تمسخر شنیده میشه

لذا چون وقوع منکر از جنس رخ دادن است،

ترک معروف از جنس رخ ندادن و ترکست، سلبیست.

لذا بیشتر طبیعی که ما با منکر مواجهیم تا با ترک معروف؛ یعنی علم از او بیشتر حاصل

میکنیم لذا طبیعتاً بیشتر اون طور که مراجع تقلید میفرمایند،

بیشتر نهی از منکر بر ما واجب میشه تا امر به معروف، این بحث طبیعیهست.

خیلیا میگن آقا چرا بیشتر **حجاب** رو گیر میدید؟

نه، همه ی منکرات رو باید تذکر داد اما **خب بیشتر بدحجابی دیده میشه.**

ببینید ربا هم منکره اما شما مثلاً تو پیاده رو راه میری چهارتا بدحجاب میبینی،

چهارتا ربا خورو نمیبینی! یعنی رَدَم بشن نمیفهمی که اینا ربا خورن!

اونچه که علنی تر است، ما وظیفه ی تجسس هم نداریم،

مَرْدُمُو خفت کنیم آقا شما ربا میخوری یا نه؟

اما بدحجابی دیده میشه، طبیعی که نماز خونها و مسلمونها بیشتر به اون

گناهی که دیده میشود امر به معروف و نهی از منکر کنند.

پس به این موضوع هم دقت کنیم،

عرضم به خدمت شما که در بحث معروف و منکر این مطلب رو درست برای مردم تبیین

کنیم ان شاءالله.

موفق و موید باشید والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir